



بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت - 3 شهریور / 1395

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ [۱]

والحمد لله رب العالمین والصلّاه والسلام علی سیدنا محمد و آله الطاهریین

تبریک عرض میکنم هفته‌ی دولت را به اعضای محترم هیئت دولت، به رئیس جمهور محترم، معاونینشان، وزرای محترم، و به همه‌ی آحاد قوه‌ی مجریه در سطح کشور. واقعاً همین جور است که آقای رئیس جمهور اشاره کردند، هفته‌ی دولت در سرتاسر کشور، متعلق به همه‌ی قوه‌ی مجریه است. ان شاء الله که خداوند زحمات همه‌ی شماها را مشکور بدارد و آثار برکت و خیر را بر این اقدامات ان شاء الله مترتب کند.

تجلیل و تکریم میکنم یاد شهیدان عزیزمان رجائی و باهنر را که همان‌طور که ایشان اشاره کردند، این دو نفر واقعاً الگو بودند؛ از جهات مختلف، از جهت اخلاص، از جهت پُرکاری. البته فرصتی نشد برایشان که چند سالی ادامه دهند، لکن سالی که نکوست از بهارش پیدا است، نوع کاری که اینها میکردند - مخصوصاً مرحوم رجائی که خب مدت بیشتری هم بودند - نشان میداد که [کار] همین جور پیش خواهد رفت؛ اخلاص و علاقه و مردمی‌بودن و تلاش فراوان و [مانند اینها]. لعنت خدا بر دستهای منافق و جنایتکاری که این دو عزیز را به خاک و خون کشید؛ متأسفانه امروز برخی از سیاستهای غربی، سعی میکنند این روسیاه‌ها را تطهیر کنند، منافقین را به یک شکلی در موضع مظلومیّت نشان بدهند و برایشان فضای مظلومیّت ایجاد کنند؛ و [البته] نخواهند توانست؛ کسانی که هزاران نفر را در داخل کشور از بین بردند، از امام جماعت و امام جمعه تا کاسب بازاری تا جوان دانشجو تا پاسدار کمیته تا خانواده‌ای که سر افطار نشسته بودند - و دیگران و دیگران و دیگران، هزاران نفر، حالا من رقم دقیق را نمیدانم - تا رؤسای کشور [مثل] شهید بهشتی و آن شخصیت‌های برجسته‌ی آن روز که به شهادت رسیدند و تا این دو بزرگوار؛ آن وقت حالا دستهای سیاسی خبیث و مغرض - چه در خارج کشور، چه دنباله‌هایشان یا دل‌بستگانشان در داخل کشور - میخواهند اینها را تطهیر کنند و چهره‌ی اینها را موجه نشان بدهند و اینها را مظلوم نشان بدهند و در مقابل، خدشه به چهره‌ی مبارک و نورانی امام وارد کنند. چهره‌ی امام خدشه‌بردار نیست و البته مطمئناً ناکام بوده‌اند و خواهند بود.

بنده باید به این مناسبت واقعاً تشکر کنم از تلاشهای دولت. حالا امروز که گزارشهای آقایان خیلی گزارشهای خوبی بود، هم گزارش آقای رئیس جمهور، گزارش معاون اول محترم، گزارش وزرا و معاونین رئیس جمهور؛ خیلی نقاط مثبت و خوبی در این گزارشها واقعاً وجود داشت که خوب است به معنای کامل کلمه اینها منعکس بشود و به گوش مردم برسد. همان‌طور که اشاره کردند، مایه و سرمایه‌ی اصلی ما مردمند؛ اعتماد مردم و امید مردم، کمک کار همه‌ی دولتها است؛ ما به این احتیاج داریم و ان شاء الله باید این کار [انعکاس گزارشها] در رسانه‌ی ملی انجام بگیرد و دیگران هم بگویند تا مردم بشنوند. بنده قدردانی میکنم از زحمات آقایان.

اداره‌ی کشور کار سختی است، اینکه کارهای مثبتی وجود دارد، معنایش این نیست که کمبود نیست، مشکلات نیست، ضعف کاری در بخشهای مختلف نیست؛ چرا هست لکن اداره‌ی کشور کار آسانی نیست. بنده یادم هست که گاهی بعضی‌ها می‌آمدند خدمت امام و شکایت میکردند از بخشهای مختلف و مانند اینها؛ امام یک جمله میگفتند آقا اداره‌ی کشور کار سختی است؛ به [گفتن] همین یک جمله ایشان اکتفا میکردند؛ واقعاً هم همین جور است. بنده خب رئیس جمهور بودم، میدانم، حالا هم در دوره‌ی دولتهای مختلف در جریان کارها هستم، واقعاً سخت



است. این تنوع، این گسترش، این انتظارات به جا و گاهی هم – بعضاً ممکن است – نابه جا در سرتاسر کشور، خرابی‌ها و چیزهایی که از زمان طاغوت و در طول زمان در کشور متراکم شده، اینها طبعاً مشکل میکند کار را؛ ضعفهایی هست – حالا من به آنچه به نظرم میرسد که باید اقدام بشود اشاره خواهم کرد، نکاتی را عرض خواهم کرد در چند سرفصل – لکن کارهایی که دارد انجام میگیرد کارهای مغتنمی است.

خب، ایام هم بسرعت میگذرد؛ [دیدار] امسال، ظاهراً دیدار چهارم ما است با شما. دیدار اوّل، مثل همین دیروز بود؛ گذر ایام این جوری است، گذر عمر این جوری است، با شتاب میگذرد؛ از این ساعتها و از این روزها، حداکثر استفاده را باید کرد. بنده در سال اوّل همه‌ی دولتها – از جمله دولت جناب آقای روحانی – همین نکته را گفته‌ام که تا چشم به هم بزنید، این مدت تمام میشود؛ اما درعین حال، چهار سال زمان کوتاهی نیست. خب، مثلاً فرض کنید ما در تاریخ یک امیرکبیری داریم با آن چهره‌ی درخشان که قریب سه سال ایشان سر کار بوده. بنابراین سه سال و مانند اینها هم خودش یک زمانی است؛ چهار سال زمان کمی نیست. این یک سالی هم که باقی مانده همین جور است؛ این یک سالی که از عمر این دولت باقی مانده، این یک سال هم یک سال است و برای هر روزش واقعاً میشود کار کرد و فکر کرد. من خواهش می‌کنم این است که از این فرصتها استفاده بشود و تا آخرین روز دولت، آقایان کار کنند؛ یعنی این جوری فکر نکنید که حالا مثلاً فرض کنید این دولت تمام میشود، آیا فردا من مسئول این کار هستم یا نیستم، اصلاً این فکرها نباید باشد، باید تا آن لحظه‌ی آخر، بایستی تا آن ساعت آخر و روز آخر تلاش کرد و کار کرد.

درگیر حواشی هم نشوید؛ چون این ماههایی که در پیش داریم، ماههایی است که بتدریج با چالشهای انتخاباتی همراه میشود؛ یعنی همین‌طور تبلیغات انتخاباتی، حرفهای انتخاباتی، مسائل سیاسی [پیش می‌آید]؛ مخالفین یک چیز میگویند، موافقین یک چیز میگویند؛ اینها نباید شما را مشغول کند، یعنی اصلاً توجه به این مسائل نکنید، کار خودتان را بکنید. بهترین تبلیغ برای دولتی که در رأس کار است، عمل او است. یعنی شما اگر چنانچه هزاران کلمه در تبلیغ حرف بزنید، اما یک کار خوب [هم] ارائه بدهید، این یک کار خوب بیش از آن هزاران کلمه حرف تأثیر میگذارد در مردم. یعنی [اگر] مردم ببینند، حس کنند، لمس کنند کار را، این بهترین تبلیغ برای دولت است؛ به فکر این نباشید که در مسائل [درگیر حواشی شوید].

خب، خود این هفته‌ی دولت، فرصت مغتنمی است؛ هم برای نخبگانی که بیرون از دولتند، هم برای اشخاصی که داخل دولتند؛ برای اینکه ارزیابی کنند، یعنی خودآزمایی کردن و ارزیابی کردن کار خود؛ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ؛ [۲] همه‌ی رؤسای دستگاهها، خودشان بهتر از دیگران میتوانند کار خودشان را ارزیابی کنند. ما گاهی ممکن است در مورد آنچه انجام داده‌ایم، در مقام بیان – خب بیان است دیگر – یک چیزی را ادعا کنیم، [اما] مراجعه که میکنیم، می‌بینیم خودمان خیلی به آن قانع نیستیم؛ یعنی این ارزیابی به نظر من خیلی مهم است. نخبگان بیرون هم همین جور؛ نخبگان بیرون هم نگاه میکنند به کارهای دولت؛ انتقاد کردن ضرری ندارد، ایرادی ندارد، منتها انتقاد منصفانه باید باشد. انتقاد، به معنای ارائه‌ی نقاط مشکل و راه حل آن نقاط و گشودن آن گره‌ها [است]، انتقاد درست این است که به نظر من [اگر] باشد، خیلی خوب است.

من تأکید میکنم و تجدید میکنم این حرف را که برای مردم و نخبگان توضیح بدهید کارهایی را که انجام گرفته؛ بدون اغراق و مبالغه؛ یعنی همان چیزی را که واقعاً خودتان مقتنع [۳] هستید به آن، این را برای مردم بیان کنید؛ این لحن صادقانه و لحن حاکی از واقع‌نگری و واقع‌گرایی، مردم را تحت تأثیر قرار میدهد؛ بلاشک این جوری است. چند سرفصل را من یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم که البته در خلال فرمایشات آقایان مطالبی هم راجع به اینها



بود.

سرفصل اول مربوط به مسائل اقتصاد است؛ همچنان که اشاره کردند. به نظر ما، امروز مسئله‌ی اول کشور، مسئله‌ی اقتصاد و مسائل اقتصادی و مشکلات و گره‌های اقتصادی است که اینها بایستی حل بشود. یک گزارش خوبی را آقای دکتر جهانگیری دادند از ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی؛ خوب حالا اینکه ایشان میگویند «من اختیاراتم افزایش پیدا نکرده»، این واقعاً خبر خوبی برای من نیست، ما توقعمان این است که ایشان به معنای واقعی کلمه فرماندهی کنند؛ خوب، آقای رئیس‌جمهور هم به ایشان حقیقتاً اعتماد دارند، ما هم که ایشان را قبول داریم و بنابراین خوب است که همین‌طور بتوانند واقعاً به معنای واقعی کلمه فرماندهی کنند؛ چون در زمینه‌ی همین کارهایی که انجام گرفته نکاتی هست که عرض خواهم کرد. این گزارش را من نگاه کردم؛ گزارش، گزارش خوبی است؛ حدود دویست پروژه و بسته‌ها و برنامه‌های حمایت از تولید، واگذاری ۲۵۰۰ طرح نیمه‌تمام به بخش خصوصی، اینها چیزهایی است که در این گزارش آمده و مهم است؛ اینها کارهایی است که کار عرضه‌کردنی است؛ لکن چند نکته وجود دارد:

اولاً پیگیری برای تحقق قطعی طرحها؛ ببینید، ما یک تصمیمی میگیریم، ابلاغ هم میکنیم، اصرار هم میکنیم، اما اگر تا آخر خط نرویم و این آبی را که از چشمه جاری شده به مزرعه نرسانیم، کار تمام نیست؛ کار تمام آن وقتی است که همه‌ی این کارهایی را که ایشان و مجموعه‌ی همکار ایشان در دولت در مورد این کارهای ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی انجام داده‌اند، یک‌یک این طرحها به نتیجه برسد؛ یعنی تعقیب کنند و قدم‌به‌قدم دنبال کنند این کارها را؛ این مسئله‌ی اول است که به نظر بنده خیلی مهم است و باید ان شاء الله انجام بگیرد.

دوم اینکه فعالیتهای پُرحجمی در عرصه‌ی اقتصاد، در کشور وجود دارد، چه بخش خصوصی، چه دولتی؛ کشور فعالیتهای عظیمی دارد و سرشار و مملو از فعالیتهای اقتصادی است. [مسئولین] تمام تلاش خودشان را بگذارند که این فعالیتهای را همسو کنند با همین سیاستها و اگر یک فعالیتی وجود دارد که با این سیاستها همسو نیست، جلوی آنها را بگیرند؛ یعنی واقعاً این، یکی از کارهای اساسی است. در عرصه‌ی واقعی اقتصاد – آن اقتصاد واقعی – خیلی کار دارد انجام میگیرد، خوب، بعضی از آنها منطبق با این سیاستها است، بعضی از آنها نیست؛ آنهایی که هست ترویج بشود، آنهایی که نیست جلوگیری بشود یا لاقط کمک نشود؛ لاقط این است که کمک نشود. من در یکی دو مورد از این چیزهایی که مطرح بود، پیغام دادم به وسیله‌ی جناب آقای حجازی که سؤال بشود که این مورد و این کار بخصوص، جایگاهش در مجموعه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی چیست؟ این باید قابل توضیح باشد؛ یعنی هرکدام از این کارهایی که انجام میگیرد، در مجموعه‌ی سیاستهایی که ایشان و مجموعه‌ی دولت تنظیم کرده‌اند بایست جا داشته باشد.

نکته‌ی سوم؛ همه‌ی ظرفیتهای کشور پای کار آورده بشود. البته خوشبختانه اشاره کردند؛ اخیراً با آقای حجتی [۴] هم دیدار داشتیم، آقای نعمت‌زاده [۵] هم که خوب بیاناتشان در مطبوعات و مانند آن پخش میشود و آدم می‌شنود – خوب امروز از اینها استفاده نکردیم که مطلبی بگویند – بخصوص در خصوص صنعت و کشاورزی، واقعاً کارهای زیادی وجود دارد که اینها بایستی بیاید پای کار، یعنی ظرفیتهای فوق‌العاده است. حالا من در مورد کشاورزی و در زمینه‌ی جنگل، یک حرفی هست که بعداً به خود آقای حجتی عرض خواهم کرد؛ ان شاء الله خصوصی به ایشان خواهم گفت.

نکته‌ی چهارم، گفتمان‌سازی است؛ ببینید در صحبتهای آقای دکتر ستاری، بر مسئله‌ی علم و اقتصاد دانش‌بنیان و



شرکتهای دانش‌بنیان و مانند اینها تکیه شد و تأکید شد - بعضی دوستان دیگر هم اشاره کردند - این ناشی از یک گفتمان ده دوازده ساله است. یعنی وقتی که بحث شکستن خطوط مقدّم علمی و نهضت نرم‌افزاری و تولید علم مطرح میشود، دنبال میشود، گفته میشود در دانشگاه‌ها و تبدیل به گفتمان میشود، نتیجه این میشود که بنده گاهی اوقات که اینجا می‌نشینم و مثلاً مجموعه‌ی دانشگاهی - چه دانشجو، چه استاد - می‌آیند، میبینم همان حرفهایی را که ما مثلاً گفتیم، اینها دارند همان حرفها را به عنوان مطالبه بیان میکنند؛ این می‌شود گفتمان، این گفتمان است، این خوب است؛ وقتی این جور شد، آن وقت این پیشرفتهای علمی پیش می‌آید. ما امروز در مسائل فضایی، در مسائل هسته‌ای، در نانو، در فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفتهای زیادی داریم، پیشرفتهای مهمی داریم؛ این پیشرفتهای ناشی از همین گفتمان سازی است. وقتی گفتمان سازی شد، آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد، یعنی در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کأته یک جاده‌ی وسیع و یک بزرگ‌راهی به وجود می‌آید که همه میل میکنند از این بزرگراه حرکت کنند؛ بنابراین گفتمان سازی خیلی مهم است. البته با تکرار کلمه‌ی «اقتصاد مقاومتی» گفتمان سازی نمیشود، نباید کاری کرد که این کلمه حرف را همین‌طور این قدر تکرار کنیم که از ذهن بیفتد؛ نه، بلکه با تبیین و با توضیح و مانند اینها بیان بشود.

و نکته‌ی بعدی - این را من به آقای جهانگیری عرض میکنم - این است که در اقتصاد مقاومتی آن چیزی که مورد انتظار است، یک کار جهشی است. ببینید، دستگاه و دولت، خب یک کارهای متعارفی دارد، کارهای معمولی‌ای دارد در زمینه‌های اقتصاد - در همه‌ی بخشهای مختلف این وزارتخانه‌های چندین‌گانه‌ی اقتصادی - که دارد انجام میگیرد؛ این کارها که خب باید انجام بگیرد؛ [اما] از جمله‌ی چیزهایی که در اقتصاد مقاومتی مورد نظر است، یک کار فوق‌العاده است، یک کار جهشی است. مثلاً فرض بفرمایید - من اینجا یادداشت کرده‌ام - اینکه آقای رئیس‌جمهور گفتند «راه‌اندازی هفت هزار واحد صنعتی»، این کار، خوب [است]؛ این از آن قبیل است، این کار را دنبال کنید؛ ایشان گفتند هفت هزار واحد صنعتی را ما راه می‌اندازیم، خیلی خب، این خوب است، یعنی این فراتر از کار معمولی و متعارف دستگاه‌های ما است. این جور چیزهایی را که جنبه‌های جهشی دارد، پیشرفتهای فراتر از عادی دارد، اینها را دنبال بکنید، اینها خیلی خوب است؛ این هم نکته‌ی بعدی، [یعنی] به کارهای روزمره‌ی معمولی دستگاه‌های اقتصادی قانع نشوید که این [کارها] را از اینها بخواهید.

یک نکته‌ی دیگر هم در این زمینه‌ی مسائل اقتصادی، کارهایی است که ریشه‌ای است ولی ممکن است، یعنی کارهای مشکلی نیست:

مثلاً «توزیع تصمیم‌گیری در استانها» - که حالا اشاره کردند و خوشبختانه به این فکر هستند - خوب است این کار، یعنی بروید تصمیم‌گیری‌ها را از حالت تمرکز خارج کنید و در سطح استانها توزیع کنید. یا «هدایت تسهیلات بانکی به سوی تولید»؛ من آن روز به آقای وزیر محترم اقتصاد [۶] و آقای سیف [۷] گفتم شما هر چه علم دارید و هر چه درس خوانده‌اید، امروز آن را به کار بیندازید برای اینکه این نقدینگی عظیم سنگین را هدایت کنید به سمت تولید، یعنی همه‌ی هنرتان این باشد؛ این کار اگر انجام بگیرد - که به نظر من کاری است ممکن؛ یعنی برای آقایانی که در رأس کار هستند، کاری است ممکن - مهم است. «مشوقهای صادراتی»؛ گاهی اوقات مشوق داریم، [اما] ثبات در این مشوقها نیست؛ کم و زیاد میشود، تغییر پیدا میکند، آن کسی که اهل صادرات است امیدوار نیست، یعنی دلش میلرزد؛ چون مسئله‌ی صادرات خیلی جدی و خیلی مهم است، بایستی مشوق‌هایش [هم مهم باشد]. یکی هم مسئله‌ی «پرداخت بهای محصولات کشاورزی» است که این هم مسئله‌ی مهمی است.



مبارزه‌ی جدّی با قاچاق – همین مسئله‌ی انهدام [کالای قاچاق] – بسیار مهم است؛ البته بعضی از مرتبطين با این مسائل، به ما گفتند که بعضی از این اقلام را میشود باز صادر کرد، [یعنی] برگرداند و صادر کرد؛ خیلی خوب، این را حرفی ندارم، یعنی من این را الان اعلام میکنم. اینکه ما گفتیم حتماً منهدم کنند جنس را، جنس قاچاق را، این شامل آن قاچاقهای جزئی و شامل این کوله‌برها و مانند اینها نیست؛ ما باندهای قاچاق و کارهای بزرگ [را میگوییم]، اینهایی که بازار کشور را تحت تأثیر قرار میدهد.

مسئله‌ی دیوان‌سالاری هم که بحث قدیمی‌ای است که دیگر حالا نمیخواهم تکرار بکنم. بعضی اوقات دیوان‌سالاری آن قدر شدید میشود که کارآفرین و سرمایه‌گذار را بی‌حوصله میکند که اصلاً دیگر حوصله‌اش سر میرود و آماده نیست کاری بکند.

یکی هم مسئله‌ی حمایت جدّی از اقتصاد دانش‌بنیان؛ خوب حالا الحمدالله آقای ستاری اینجا بیان کردند و اعتراف کردند در واقع – به یک معنا اعتراف بود – که همه به ایشان دارند کمک میکنند؛ واقعاً احتیاج به کمک است؛ بایستی همه به معاونت علمی کمک بکنند، همه‌ی دستگاه‌ها بایستی کمک بکنند. اگر واقعاً این جور شده حالا که همه به شما کمک میکنند، خوب الحمدالله. ما باید مسئله‌ی اقتصاد دانش‌بنیان را جدّی بگیریم، این شرکتهای دانش‌بنیان را واقعاً جدّی بگیریم. شاید بتوان گفت میلیونها جوان الان در کشور هستند که اینها آماده‌ی کارند که اگر یک کمکی به اینها بشود، میتوانند واقعاً در این قسمت‌ها پیش بروند و بخشهای مختلف را [فعال] کنند. من شنیدم حتی در برخی از موارد و برخی از بخشهای دولتی – که حالا این را جناب آقای رئیس‌جمهور اگر ان‌شاءالله دنبال بکنند خوب است – که برخی از این به قول آقایان پروژه‌ها را از خارجی‌ها قبول میکنند و امکانات هم به آنها میدهند، [اما] به این شرکت دانش‌بنیان داخلی که میتواند این کار را انجام بدهد، نمیدهند! یعنی این گزارشهایی است که به ما رسیده که ان‌شاءالله خلاف واقع باشد، اما گزارشهایی است که هست؛ اینها را باید به نظر من تعقیب کرد و دنبال کرد و مهم است. این هم در مورد اقتصاد دانش‌بنیان. و مسئله‌ی روستاها. حالا خیلی حرف در این زمینه‌ها هست که حالا وقت هم میگردد.

سرفصل دیگری که من میخواهم عرض بکنم، بحث سیاست خارجی است که خوب این از اول، یکی از اولویتهای دولت جناب آقای دکتر روحانی بوده، هم در تبلیغات، هم در اقدامات دولتی؛ این کار مهمی بوده، خوب بنده هم موافقم. من از سابق به فعالیت دیپلماسی و کار دیپلماسی عقیده داشتم و معتقد بودم بایستی در این زمینه تلاش بشود.

چند نکته اینجا وجود دارد: یکی اینکه ما توان دیپلماسی خودمان را در سطح دنیا درست توزیع کنیم؛ یعنی سهم آسیا به تناسب وسعت و توانایی آسیا باید به آسیا داده بشود، سهم آفریقا همین جور، سهم آمریکای لاتین همین جور؛ پس بنابراین [باید] دیپلماسی‌مان را خوب توزیع کنیم، متناسب توزیع کنیم.

یک مسئله‌ی دیگر هم این است که ما در همه‌جا بایست در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. بایستی انسان بخصوص در مسائل شبیه مسائل منطقه – که امروز مسائل بسیار پیچیده‌ای است؛ مسائل منطقه‌ی ما، مسائل سوریه و عراق و لبنان و شمال آفریقا، این طرف در طرف شرق، افغانستان و پاکستان و مانند اینها، مسائل فوق‌العاده پیچیده‌ای است؛ سیاستها اینجا خیلی در هم فرورفته و متخاصم و مؤثر بر روی یکدیگرند – خیلی لازم است که با دقت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن، وارد میدان بشود که خوب در یک جاهایی الحمدالله وارد



شده‌ایم، همین‌جور هم بوده.

نکنته‌ی سوّم در زمینه‌ی مسائل دیپلماسی، استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای اقتصاد است. دستگاه‌های اقتصادی با وزارت خارجه، در زمینه‌ی مسائل اقتصادی بایستی تعامل دائمی داشته باشند. خب مگر ما نمیگوییم مثلاً فرض کنید که انتقال فلان فتاوری پیشرفته از فلان کشور [انجام شود]، یا صادرات [به فلان کشور] – که روی صادرات تکیه میکنیم – خب، در این زمینه‌ها وزارت خارجه بایستی محور کار باشد. ما شنیده‌ایم و دیده‌ایم مواردی را که یک وزارتخانه‌ای، در یک کشوری دارد مذاکره‌ی اقتصادی میکند، [اما] وزارت خارجه اصلاً خبر ندارد! این ضرر است، این زیان محض است. البته این وظیفه‌ای است دوطرفه، هم وظیفه‌ی دستگاه‌ها است که با وزارت خارجه همکاری و همراهی داشته باشند در این زمینه، هم وظیفه‌ی وزارت خارجه است که برای این کار بنشینند برنامه‌ریزی کنند؛ یعنی در یک بخش ویژه‌ای – البته در وزارت خارجه یک بخش اقتصادی علی‌الظاهر هست، یعنی از سابق که بوده – باید برنامه‌ریزی کنند، فعال کنند، این هم یک مطلب است. آن چیزی که مورد اعتماد است در دیپلماسی، آن کار ثابت مسلم امضاشده‌ی قابل احتجاج است، این در مسائل ارتباطات ما با خارج از کشور مهم است که خب باید روی این دقت کرد.

البته مسئله‌ی برجام هم یکی از بخشهای سیاست خارجی است، بنده چون درباره‌ی برجام صحبت‌های زیادی کرده‌ام، نمیخواهم مجدداً بحث کنم؛ با جناب آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور محترم هم همین‌طور به‌طور تقریباً مداوم، در همین زمینه‌ها صحبت داشته‌ایم و داریم.

به‌هرحال در مورد برجام، آن نکته‌ای که من میخواهم بگویم این است که اولاً بدحسابی‌های طرف غربی را – یعنی بخصوص آمریکا را – به حساب بیاوریم؛ مطلقاً در صدد این نباشیم که بدحسابی طرف مقابل را و بدقلقی طرف مقابل را و خیانت طرف مقابل را یک‌جوری توجیه کنیم؛ این دارد بدحسابی میکند – الان مشخص است، آمریکایی‌ها دارند بدحسابی میکنند – این بدحسابی را به حساب بیاوریم، به این توجه کنیم.

و [ثانیاً] تجربه بیاموزیم؛ اینکه حالا ممکن است که فرض کنید این دولت یا یک دولت دیگری در آمریکا یا در فلان کشور یک وعده‌ای به ما بدهد و یک حرفی بزند، به این وعده و مانند اینها هیچ نمیشود اعتماد کرد؛ مطلقاً. خیلی خب، او وعده میدهد، شما هم یک وعده بدهید. شخصی شعر گفته بود، پیغام داد، آمد پیش خلیفه و شعرش را خواند؛ خلیفه هم گفتش که مثلاً فلان قدر طلا – صد هزار دینار مثلاً طلا – به ایشان بدهید؛ [این مطلب را] نوشت روی کاغذ و داد به این شاعر و گفت برو بگیر؛ رفت پیش آن خزانه‌دارش، کاغذ را داد و گفت آقا صد هزار [بدهید]؛ گفت به چه مناسبت؟ گفت یک شعری گفته‌ام؛ گفت خب شعر گفته‌ای؟ تو یک شعر گفتی او خوشش آمد، او هم این را نوشت تو خوشش آمد، این به آن در؛ پاشو برو! [۸] یعنی این‌جوری است. او یک حرفی میزند، وعده‌ای میدهد که ما خوشمان بیاید، ما هم یک وعده‌ای بدهیم او خوشش بیاید؛ اما چیز نقدی به او ندهیم که بعد آن وقت در آن بمانیم که حالا او جواب خواهد داد به حساب خودش یا وام خودش را ادا خواهد کرد یا نه؛ نخیر. به‌هرحال ما از کسانی که در زمینه‌ی برجام، شبانه روز واقعاً زحمت کشیدند و تلاش کردند، از آنها قدردانی میکنیم. بنده به برجام انتقاد دارم، ایراد دارم، این را هم گفته‌ام؛ هم به شماها گفته‌ام، هم در علن گفته‌ام؛ منتها این ایراد به طرف مقابل است، ایراد به خودی نیست، ایراد به عناصر خودمان نیست، عناصر خودمان زحمت خودشان را کشیدند و همان قدر که میتوانند کار کردند؛ طرف مقابل، طرف خبیثی است، طرف نامردی است.

سر فصل سوّم، مسئله‌ی علم و فتاوری است؛ خب، ما در قضیه‌ی علم و فتاوری، برای پیشرفت کشور واقعاً احتیاج



داریم به اینکه مسئله‌ی علم و مسئله‌ی فتاوری، بشود مسئله‌ی مطرح کشور؛ یعنی یکی از آن سه نقطه‌ی اصلی و سه ستون اصلی‌ای که کشور امروز به آنها متکی است – و شاید عمیق‌ترینش این است – یکی همین مسئله‌ی علم و فتاوری است که خب ما الحمدالله پیشرفتهای خوبی داشته‌ایم؛ تلاش شد، کار شد، دنبال‌گیری شد، [اما] رشد پیشرفتهایمان کم شده. آقای دکتر فرهادی [۹] یک گزارش برای من فرستادند – چون من در سخنرانی گفته بودم که رشد [کم شده] – که نه، ما رشدمان خوب است. من حرفی ندارم، بنده میدانم، آنچه ایشان فرستادند برای من جدید نبود، آنچه من گفته بودم و به آن توجه نشد، مسئله‌ی شتاب بود؛ شتاب رشد. ببینید ما از طرفهای مقابلمان و از رقبایمان، مبالغ زیادی عقبیم؛ ما اگر بخواهیم به او برسیم، اگر با سرعتی که او پیش میرود پیش برویم، این فاصله همیشه میماند؛ ما باید با یک سرعتی و با یک شتابی پیش برویم که چند برابر سرعت او باشد تا بتوانیم به او برسیم یا احیاناً از او جلو بزنیم، حرف من این است؛ ما این شتاب را چند سال داشتیم. شتاب وقتی زیاد شد، این مطلوب است؛ [اما] شتاب کم شده، حرف من این است؛ اینکه آقای دکتر فرهادی باید به آن توجه کنند [این است].

علی‌ای‌حال، اینکه مورد توجه من است، این است؛ یعنی باید رشد را شتاب بدهید؛ والا من میدانم که رشد هست، خب داریم رشد میکنیم، پیش میرویم، طبیعی است، اما رشد عادی کافی نیست. آن سرعت رشد ما بود که در دنیا آوازه پیدا کرد، منعکس شد، یک عده‌ای حسودی کردند، یک عده‌ای نگران شدند! در دنیا بعضی‌ها از پیشرفت علمی ما نگران شدند؛ خب، این به خاطر همین بود که شتاب، شتاب خوبی بود. قضیه‌ی دانش‌بنیان‌ها را هم که عرض کردیم.

حالا الحمدالله معاونت علمی راضی [است]؛ من اینجا نوشته‌ام «از سوی دستگاه‌ها حمایت نمیشوند»، اما حالا ایشان میفرمایند که حمایت میشوند، خیلی خب اگر شما راضی هستید دیگر ما چه بگوییم؟ قضیه‌ی ما قضیه‌ی شما است.

و این گفتمان پیشرفت علمی هم باید ادامه پیدا کند، یعنی این را نباید بگذارید متوقف بشود. شماها همه‌تان – همه‌ی دوستان – دانشگاهی هستید، اولاً من توصیه‌ام این است که دوستان مسئول، با دانشگاه رابطه‌شان را قطع نکنند؛ یعنی رفت و آمد با دانشگاه داشته باشند؛ هر جا هستید، هر جور، با هر مجموعه‌ی دانشگاهی که روبه‌رو میشوید، روی مسئله‌ی گفتمان تولید علم و پیشرفت علمی و همین جنبش نرم‌افزاری و شتاب رشد، تکیه کنید؛ جوری بشود که هر استادی، هر دانشجویی، هر پژوهشگری احساس بکند که این وظیفه‌ی او است که این کار را بایستی انجام بدهد. این هم یک نکته در مورد این قضیه.

یک نکته هم مسئله‌ی بودجه‌ی پژوهش است. بودجه‌ی پژوهش، اولاً کم است، ثانیاً همانی هم که هست، همه‌اش داده نمیشود. ما البته وعده گرفتیم از یکی از دولت‌ها – نمیدانم حالا کدام یکی از حضرات بودند – که بودجه‌ی پژوهش را برسانند به یک‌ونیم درصد و دودرصد و حداکثر هم به سه درصد اما خب، یک‌ونیم درصد را قول دادند. بعد اینجا دانشگاهی‌ها که آمدند سخنرانی کردند، گفتند این حرف‌ها چیست؟ شش‌دهم درصد و پنج‌دهم درصد و از این حرف‌ها است قضیه، تازه از همان هم همه‌اش را نمیدهند! خب حالا جوری بشود که بودجه‌ی پژوهش داده بشود.

یکی هم مسئله‌ی همکاری دانشگاه و صنعت است که بنده از سال‌ها پیش روی این تکیه کردم، خیلی هم روی این اصرار کردم. خدا رحمت کند مرحوم پدر ایشان – مرحوم دکتر ابتکار – [۱۰] را، آمد اینجا و به او گفتم که من این را از رئیس‌جمهور خواسته‌ام. گفت «عجب! این همان نقطه‌ی اصلی گره کار ما اینجا است»؛ ایشان گفت اصل قضیه همین است و خب عمر ایشان کفاف نداد؛ خدا رحمت کند مرحوم ابتکار را. علی‌ای‌حال این مهم است، یعنی برای هر دو طرف باید مشوق گذاشت، هم برای آن صنعتی که برای پژوهش خرج میکند – بالاخره وقتی که صنعت، از



پژوهش دانشگاهی می‌خواهد استفاده کند، یک هزینه‌ای میکند؛ این هزینه را به حساب بیاورید؛ یا جزو معافیت‌های مالیاتی، یا از این قبیل چیزها – هم آن قسمت پژوهشگاه و پژوهشکده و دانشگاه پژوهشگر را مورد تشویق قرار بدهید؛ از دو طرف باید تشویق بشوند که به هم نزدیک بشوند.

یک سرفصل دیگری که مطرح می‌خواهم بکنم مسئله‌ی امنیت است. خب، بحمدالله کشور امروز یک سپر امنیتی محکمی دارد. خب شما نگاه کنید، دُروبر ما ببینید چه خبر است. شرق ما افغانستان است و آن حوادث و پاکستان و [اینها]، غرب ما این کشورهای همسایه‌ی عربی و عراق و سوریه و یمن و این حوادثی که در این منطقه‌ی غرب آسیا در جریان است و حوادثی که پیرامون ما در لیبی و مثلاً مصر و بقیه‌ی جاها هست، وقتی انسان اینها را نگاه میکند، می‌فهمد که چه قدر نعمت بزرگی است این امنیتی که امروز ما بحمدالله داریم. این سپر امنیتی، خوشبختانه کشور را فراگرفته که از این آسیب‌های امنیتی محفوظ است. مردم راحت زندگی میکنند از لحاظ امنیت، به نظر من یکی از چیزهایی که خوب است مسئولین محترم در صحبت‌هایشان با مردم درمیان بگذارند که مردم یادشان بیاید – چون «نعمتان مجهولتان الصّحّه و الامان»، مجهول است – یکی «امان» است. تا امان هست، کسی ملتفت نیست که امنیت هست. از خانه تا محلّ کسبت می‌خواهی بروی، ناامن باشد؛ تا مدرسه می‌روی، ناامن باشد؛ دانشگاه، ناامن باشد؛ از این شهر به آن شهر، ناامن باشد؛ الحمدالله امروز امنیت در کشور وجود دارد و این به‌خاطر زحمات نیروهای نظامی ما و نیروهای امنیتی ما است؛ باید واقعاً از اینها تشکر کرد و اینها را تقویت کرد.

و به نظر من سه بخش هم در اینجا مورد توجه است؛ یکی سدّ دفاعی ملّی است که اساس کار این است؛ آن روحیه‌ی انقلابی و دینی مردم، یکی از آن سه عنصر اصلی حفظ امنیت کشور است؛ یعنی حقیقتاً آن روحیه‌ی انقلابی مردم و دینی مردم است که تشجیع میکند و تحریص میکند نیروهای ما را که بتوانند کارهای خودشان را درست انجام بدهند؛ یکی این است که باید حفظ بشود.

یکی آن بخش تشکیلاتی ما است که همین تشکیلات نظامی ما و تشکیلات امنیتی ما است؛ اینها باید تشویق بشوند، تقدیر بشوند، به اینها کمک بشود؛ اینها دارند واقعاً کار میکنند.

یکی هم مسئله‌ی فتی ما و ابزارهای ما است، همین کارهایی که دارند می‌سازند، همین موشکی که چند روز پیش از این، آقای دکتر روحانی رفتند و از آن رونمایی کردند؛ اینها مهم است، اینها خیلی مهم است، اینها در حفظ امنیت کشور خیلی تأثیر دارد. اینکه کشور بتواند از خودش دفاع بکند و این را دیگران بدانند که این قدرت دفاعی در کشور هست، این خیلی مهم است. شما ببینید سر قضیه‌ی اس ۳۰۰ که ما می‌خواستیم بخریم، چه جنجالی راه انداختند و پشت این جنجال چه تحرکاتی. این قدر مسافرت کردند به روسیه – بیا، برو، فلان – که این اتفاق نیفتد؛ درحالی‌که اس ۳۰۰ که بنا نیست شهری را بزند، اس ۳۰۰ بنا است مهاجم را بزند، این است دیگر؛ یعنی دشمن، قدرت دفاعی را در کشور نمیتواند تحمل بکند، اینکه شما قدرت دفاعی داشته باشید را نمیتواند تحمل کند.

بنابراین یکی از اساسی‌ترین کارها همین است که ما ابزارهای دفاعی‌مان را تقویت بکنیم و هرکدام از این سه عامل – یعنی عامل روحیه‌ی مردم، عامل حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت، و عامل ابزار و وسیله – تضعیف بشود به ضرر ما است و هر کسی تضعیف بکند، واقعاً به ضرر کشور اقدام کرده.

سرفصل پنجم، مسئله‌ی فرهنگ است. اولویت بسیار مهمّ کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه‌ی اینها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعاً مسئولیت دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر،



سینما، خب اگر مراقبت نباشد [چه میشود]! بنده طرفدار جزم‌اندیشی و فشار و اختناق در این زمینه‌ها نیستم، میدانید، من اعتقاد راسخ دارم به آزاداندیشی؛ منتها آزاداندیشی غیر از ولنگاری است، غیر از اجازه دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی و آزادعملی بخواهد ضربه بزند به [کشور]. امروز نیروهای مؤمن و جوان انقلابی‌مان، بیشترین کارهای خوب کشور را دارند انجام میدهند، همین دانش‌بنیان‌ها، همین کارهای گوناگون، همین فعالیت‌ها، اینها بیشتر به وسیله‌ی جوانهای مؤمن و مانند اینها انجام میگیرد. حالا فرض کنیم یک تئاتری یا یک فیلمی تولید بشود که تیشه به ریشه‌ی ایمان این جوانها بزند؛ این خوب است؟ این چیزی نیست که انسان از آن احساس خطر بکند؟ دو مقوله است، مقوله‌ی آفند و پدآفند؛ ما در زمینه‌ی فرهنگ، هم در مورد آفند ضعیف عمل میکنیم، هم در مورد پدآفند ضعیف عمل میکنیم؛ به نظر من بایست در این زمینه‌ها کار کرد. فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که بایستی واقعاً به آن بپردازیم. محصولات فرهنگی، کتاب، سینما، تئاتر، شعر، مطبوعات و نیز شخصیت‌های فرهنگی؛ فرض کنید که یک شخصیت فرهنگی هست که همه‌ی عمر خودش را در راه انقلاب گذاشته، یک شخصیت فرهنگی هم هست که هر وقت توانسته به انقلاب نیش زده؛ شما رفتارتان با این دو نفر چه جور است؟ شما که مسئول دولتی هستید یا مسئول فرهنگی هستید یا مسئول وزارت مثلثاً ارشاد هستید یا وزارت علوم هستید یا سازمان تبلیغات اسلامی هستید – فقط مخصوص کارهای دولتی نیست، دیگران هم همین جور هستند – یا صداوسیما، رفتار شما و برخورد شما با این دو آدم چه جور است؟ این خیلی مهم است. آن کسی که عمرش را در خدمت انقلاب و در خدمت دین بوده، آیا این [طور] است که مورد تکریم و ترجیح شما باشد، نسبت به آن کسی که در همه‌ی عمرش حالا یک قدم [هم] در راه دین و انقلاب که برنداشته، گاهی اوقات ضربه هم زده، نیش هم زده؟ خب، اینها مهم است، اینها نکاتی است که باید به آنها توجه داشت. ما اگر به این نکات توجه نکنیم و بر اثر جوژدگی برویم سراغ مثلاً فرض کنید که فلان کسی که از بن دندان با انقلاب اسلامی و با حکومت اسلامی و با نظام اسلامی مخالف است، خب این خلاف یک حرکت فرهنگی عادلانه است. بنابراین من، هم معتقدم روحیه‌ی آزاداندیشی وجود داشته باشد، [هم] برنامه‌ریزی عادلانه باید وجود داشته باشد. نه بی‌برنامه‌گی و ولنگاری فرهنگی، نه جزم‌اندیشی و تحجّر و استبداد فرهنگی؛ هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است که برنامه‌ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش‌های خوب، و جلوی ضربه‌ها و حملات و مانند اینها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پدآفند.

سرفصل ششم – که دیگر این علی‌الظاهر آخرینش است یا نزدیک به آخر – مسئله‌ی برنامه است که در مسئله‌ی برنامه‌ی ششم، ما تأخیر داریم؛ یعنی واقعاً برنامه‌ی ششم یک امر مهمی است. خب، اهمیت برنامه برای شماها روشن است و میدانید که برنامه چقدر مهم است؛ برنامه، هم هماهنگی ایجاد میکند، هم هم‌افزایی ایجاد میکند، هم زنجیره‌ی برنامه‌ها – پی‌درپی – ما را به اهداف چشم‌انداز میرساند؛ یعنی اگر چنانچه این زنجیره‌ی برنامه‌ها، یک جا در وسط قطع شد، ما نمیتوانیم به آن نتیجه برسیم، این روشن است؛ بنابراین، برنامه خیلی اهمیت دارد. خب، حالا برنامه یک فرآیندی هم دارد که در قانون اساسی مشخص است: سیاست‌هایی است که ابلاغ میشود و اعلام میشود، براساس این سیاست‌ها، دولت برنامه را تهیه میکند، بعد این برنامه تبدیل به قانون میشود که همه ملزم باشند به جزئیات این برنامه عمل کنند؛ بنابراین مجلس هم در جریان کار برنامه، در این فرآیند قرار میگیرد. این کار را به نظر من هرچه زودتر انجام بدهید و پیش ببرید؛ نگذارید که این قضیه بیش از این متوقف بشود. البته در برنامه هم اساس کار: در بخش اقتصاد، همان اقتصاد مقاومتی باید باشد؛ در بخش فرهنگ، فرهنگ با همان خصوصیات باشد که عرض کردیم؛ و در بخش علم و فناوری هم – که این سه بخش خیلی مهم است – با همان خصوصیات که قبلاً عرض شد و اهتمام به پژوهش و اهتمام به توسعه‌ی علم.



یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی فضای مجازی است که من می‌خواهم خواهش کنم از جناب آقای رئیس‌جمهور این [را دنبال کنند]؛ چون فضای مجازی واقعاً یک دنیای رو به رشد غیرقابل توقف است، یعنی واقعاً آخر ندارد؛ آدم هرچه نگاه میکند، آن چیز اول‌بلا آخر، فضای مجازی است. هرچه انسان پیش می‌رود در این فضا، این همین‌طور ادامه دارد. این یک فرصتهای بزرگی در اختیار هر کشوری می‌گذارد، تهدیدهایی هم در کنارش دارد؛ ما بایستی کاری کنیم که از آن فرصتها حداکثر استفاده را بکنیم، از این تهدیدها تا آنجایی که ممکن است خودمان را برکنار نگه داریم. خوب، شورای عالی فضای مجازی به این منظور تشکیل شد. مثلاً فرض بفرمایید که حالا در گزارش آقای دکتر جهانگیری هم اتفاقاً به این بخش تقریباً اصلاً نپرداختند، یک سطر فقط ایشان اشاره کردند که فلان بخش را نمیدانم چه کار کردیم، مثلاً راجع به فلان بخشی که در شبکه‌ی ملی اطلاعات مؤثر است، این را مثلاً فراهم کردیم. به جستجوگرها ایشان [اشاره کردند]، چون جستجوگر چند سال است که شروع شده، جستجوگرها را اینها دارند [طراحی] میکنند و الان جوانها از این طرف و آن طرف، شاید ده‌ها سیستم جستجوگر را طراحی کرده‌اند و ساخته‌اند و تولید کرده‌اند، یعنی چیز جدیدی نیست؛ ایشان هم روی آن تکیه کردند؛ اما آن شبکه‌ی ملی اطلاعات را – که خیلی مهم است آن شبکه‌ی داخلی – ما هنوز پیش نرفته‌ایم؛ خوب، با اینکه آقای واعظی [۱۱] هم معتقد به این قضیه هستند و دوستان همه معتقدند به این قضیه اما این پیشرفت نداشته؛ این را بایستی ان شاء الله دنبال کنیم که ضربه‌های بی‌جبرانی نزنیم.

و آخرین مسئله هم همین مسئله‌ی حقوقهای نجومی است که اتفاقاً در صحبت آقای دکتر روحانی هم آخرین مسئله بود. من خواهش میکنم از این قضیه آسان عبور نکنید. بله، دامن زدن به این قضیه به آن معنا – که به قول ایشان مدام بازخوانی کردن و آماردادن که فلان کس این‌قدر میگیرد، فلان کس [آن‌قدر] – شاید کار خیلی مثبتی نیست؛ اما از آن طرف، اقدامی که شما در مقابل میکنید، خیلی مهم است؛ یعنی به مردم بگویید که چه کار کردید. در این قضیه، مردم اعتمادشان ضربه خورده. ببینید، مردم خیلی از این ارقام بزرگ و مانند اینها را هضم نمیکند؛ اما حقوق شصت میلیون تومان و پنجاه میلیون تومان و چهل میلیون تومان را خوب هضم میکنند؛ یعنی کسی که در ماه یک میلیون یا یک میلیون و دویست یا یک میلیون و پانصد درآمد دارد، خوب میفهمد که پنجاه میلیون یعنی چه؛ در کشور کم نیستند کسانی که حقوق‌هایشان این است. این اعتماد مردم را – که بدرستی آقای روحانی گفتند که مایه‌ی اصلی ما، اعتماد مردم و امید مردم است – با این کارها نباید ضایع کرد. شما این همه زحمت بکشید، کار کنید، تلاش کنید، بعد ناگهان مثلاً فرض کنید یک نفری با یک کار حقوق غیر عادلانه [همه را ضایع کند]. آیا فاصله‌ی بین پنجاه میلیون و یک میلیون غیر عادلانه نیست؟ شما امروز در دستگاه دولتی‌تان کسی که از شما یک میلیون، یک میلیون و دویست، یک میلیون و پانصد، دو میلیون حقوق بگیرد ندارید؟ فراوان. خوب، آن وقت یک نفر هم سی میلیون میگیرد، چهل میلیون میگیرد! این غیر عادلانه نیست؟ با مردم هم‌دردی کنید که مردم احساس کنند که همان رنجی را که او میبرد شما هم میبرید و نشان بدهید که عزم راسخ دارید که با این قضیه برخورد کنید و جلوگیری و اجازه ندهید؛ این را نشان بدهید به مردم. به هر حال این نکته‌ی [مهمی] است. به نظر من برای متخلف اصلاً نباید عذر تراشید؛ برخورد هم بایستی قاطع باشد؛ مخصوص قوه‌ی مجریه هم نیست. در همه‌ی قوا و در همه‌ی سازمانها، همین معنا ساری و جاری است؛ همه بایستی این را رعایت بکنند. خوب، قوه‌ی مجریه جلوی چشم است و حالا مثلاً بیشتر از دیگران گسترده است. در برخورد هم فقط قوه‌ی مجریه نیست که باید برخورد کند، قوه‌ی قضائیه هم در جای خود – آنجایی که جای ورود قوه‌ی قضائیه است – بایستی برخورد کند.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته



- [۱]. در ابتدای این دیدار – که به مناسبت هفته‌ی دولت برگزار شد – حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس جمهور) و آقایان اسحاق جهانگیری (معاون اوّل رئیس جمهور)، سورنا ستاری (معاون علمی و فناوری رئیس جمهور)، بیژن نامدارزنگنه (وزیر نفت)، علی ربیعی (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی)، عباس آخوندی (وزیر راه و شهرسازی) و محمدباقر نوبخت (معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه) گزارشهایی ارائه کردند.
- [۲]. سوره‌ی قیامت، آیه‌ی ۱۴
- [۳]. قانع
- [۴]. آقای محمود حجّتی (وزیر جهاد کشاورزی)
- [۵]. آقای محمدرضا نعمت‌زاده (وزیر صنعت، معدن و تجارت)
- [۶]. آقای علی طیب‌نیا (وزیر امور اقتصادی و دارائی)
- [۷]. آقای ولی‌الله سیف (رئیس کلّ بانک مرکزی)
- [۸]. خنده‌ی حضار
- [۹]. آقای محمّد فرهادی (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری)
- [۱۰]. مرحوم دکتر تقی ابتکار (مشاور علم و فناوری رئیس جمهور وقت)
- [۱۱]. آقای محمود واعظی (وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات)